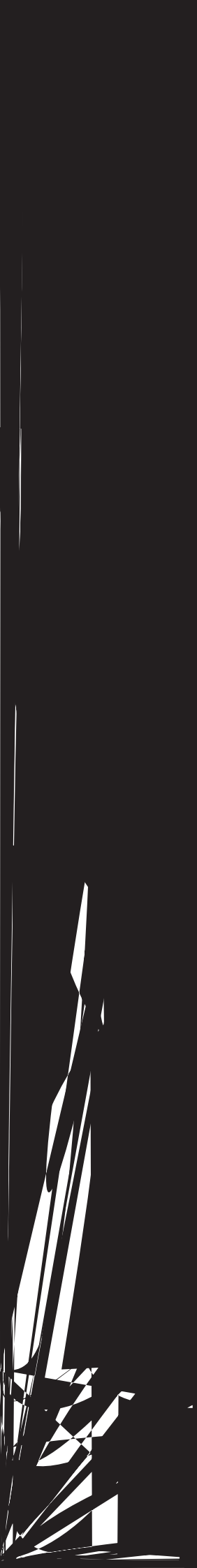

نقش خانواده در شکل‌گیری بعد رفتاری شخصیت کودک و نوجوان

تمام عوامل نامبرده به نحوی در رشـــد شـــخصیت کودک و نوجوان تاثیر دارند که در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. عوامل شخصی

ترشـــحات غده‌های داخلی که هورمون نامیده می‌شود در رشد و تکامل فرد مؤثرند. هورمون‌ها سبب هوشیاری یا تنبلی، شتاب‌زدگی یا خونسردی، خودداری یا آشفتگی هیجانی می‌شوند. به‌طور کلی تأثیر زیادی در رشد شخصیت دارند. برای مثال تیروکسین که از غده تیروئید مترشّح می‌شود، فعالیت عصبی و عضلی را تعدیل می‌کند و در چگونگی حالات هیجانی مؤثر است (همان).

۲. عوامل خانوادگی

به عقیده برخی از روان شناسان، شخصیت افراد بیش از آن‌که به ژن‌ها مربوط باشد به پرستاران و سرپرســـتاران ایشان بستگی دارد و نخستین سرپرست کودک و نوجوان مادرش است. مادر در دو مرحله بر شـــخصیت کودک اثر می‌گذارد. اول: در دوره جنینی که هرگاه مادر حامله و باردار دچار اضطراب و هیجان شـــود، جنین بسیار فعال می‌شـــود و این رفتار ممکن است مدت‌ها ادامه داشته باشد. وقتی مادر دچار ترس یا عصبی شود، غده‌های درون‌ریز، مخصوصاً آدرنالین فعال می‌شوند و ترشـــحات آن‌ها به وسیله جفت به جنین منتقل می‌شوند و تجربه ثابت کرده است که این آثار نیز به نوزاد انتقال می‌یابد. دوم: بعد از تولد که شخصیت و رفتار مادر مستقیماً روی شخصیت کودک اثر خواهد گذاشت (همان، ص۶۱۱).

معمولاً در کتاب‌های روان شناســـی و تربیتی، بیشـــتر از نقش تربیتی مادر سخن به میان آمده و مورد بررســـی قرار گرفته است. آیا نقش تربیتی پدر کم‌تر از مادر است؟ جواب این است که نقش تربیتی پدر به هیچ وجه کم‌تر از مادر نیست. روان‌شناسان رشد در این زمینه می‌گویند: «مطالعاتی که اخیراً به عمل آمده اســـت، نشـــان می‌دهد شـــخصیت و نقش پدر در رشد و تکامل شخصیت کودک از مادر کم‌تر نیســـت» (همان، ص۶۱۲). به‌خصوص درباره‌ی فرزندان پسر که حضور پدر در خانه اهمیت خاصی دارد. کودکانی که غالباً پدران‌شان در خانه نیستند، کم سازگار می‌شوند، کم‌تر صفت مردانه دارند و روابط دوستانه‌شان بسیار نامناسب است در مقایسه با کودکانی که پدران‌شان

در خانه هستند. مسأله مهم دیگر، این قبیل پسران از همانندسازی با هم‌جنس محروم می‌شوند زیرا معمولاً می‌خواهند رفتارشـــان را به شکل رفتار هم‌جنس خود در آورند. پسر از پدر و دختر از مادر تقلید می‌کند. البته این همانندسازی بیشتر به‌طور نا خودآگاه انجام می‌گیرد (همان).

۳. شرایط اقتصادی، اجتماعی

شـــرایط مالی و موقعیت اجتماعی والدین نیز بر رشد شخصیت کودک و به‌خصوص شخصیت نوجوان بسیار تأثیر دارد. وقتی نوجوان در میان دوستان و هم‌سالان خود لباس مناسب نداشته باشد، در مدرســـه خوراک مناسب نداشته باشد و یا پول کافی برای خرید نداشته باشد، از لحاظ روحی و روانی خرد و تحقیر می‌شود و در جمع دوستان خود احساس حقارت می‌کند.

روان شناســـان معتقدند شرایط مالی و اجتماعی خانواده به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در رشد و تکامل شـــخصیت کودک مؤثر است. کودکی که تمام وســـائل زندگی و ارضای امیال برایش فراهم اســـت در سازگاری اجتماعی کم‌تر دچار اشکال می‌شود و در نتیجه رشد شخصیت خوبی خواهد داشـــت ولی کودکی که از این نعمت محروم است همواره خود را حقیر و ناقص می‌پندارد. همین اهمیت تأثیر خانواده در رشـــد شخصیت کودک، سبب شده که روان‌شناسان توصیه کنند، خانواده و مدرســـه باید در آموزش و پرورش کودک با یک‌دیگر صمیمانه هم‌کاری کنند و هر اندازه فاصله و جدایی میان این دو محیط بیشـــتر باشـــد به همان میزان موفقیت در تربیت کودک کم‌تر خواهد بود (همان، ص۶۱۳).

٤. شخصیت سالم

انسان در طول تاریخ سعی کرده خود را کامل کند. انسان قادر است در کمال و خوبی به مراتب از دیگر موجودات پیشی گیرد.

یکی از تفاوت‌های اساســـی انسان با سایر موجودات این است که انسان دارای قوه عاقله است. عقل انســـان را به‌سوی پیشرفت‌هایی در زندگی شخصی و اجتماعی هدایت می‌کند و انسان توسط عقـــل به جهان اطراف خود معنا می‌بخشـــد و توانایی ارتباط با دیگران را توســـط تعقل و تفکر دارا می‌باشد و این ارتباط فعلیت پیدا می‌کند.

روان شناسان در این زمینه می‌گویند:

یکی دیگر از صفات منحصر به فرد انســان این است که هیچ‌گونه راه غریزی برای تجربه عالم هستی و یا اعمال خویش ندارد. وی بیش از هر مخلوق دیگر مقلّدی است که از الگوهای موجود در دسترس خود تقلید می‌کند و مبتکری است که راه‌های تازه را کشف می‌کند (سیدنی جوراد، تدلاند سمن، ترجمه فرهاد منصف، ۱۳۸۷، ص۱۲).

ســالم بودن شــخصیت کودک و نوجوان مربوط به خانه و خانواده می‌باشد. رفتار والدین، نوع تربیت و آگاهی والدین از شــخصیت تا چه حدی باید باشــد تا بتوانند کودک و نوجوان خود را به صورت صحیح راهنمایی کنند و شــخصیت سالمی برای آن‌ها ایجاد کنند. شکل‌گیری شخصیت در خانواده پی‌ریزی می‌شــود و بعد در سایر محیط‌ها به‌خصوص در مدرسه پرورش داده می‌شود و به تدریج شاکله می‌شود.

روان‌شناســان معتقدند کودکانی دارای شخصیت سالم هســتند که هدف‌های واقعی را دنبال می‌کننــد. آن‌ها می‌توانند نیازهای خود را ارضا کنند و شــیوه اعمال‌شــان از لحاظ اجتماعی مورد پذیرش اســت. یکی دیگر از خصایص شــخصیت ســالم کودک، رغبت اجتماعی او است که به دیگــران به همان اندازه خودش توجّه دارد. می‌تواند دیگران را دوســت بدارد و با دیگران هم‌دردی می‌کند و به خود اعتماد دارد و می‌تواند مسؤلیتی به عهده بگیرد (براون، کارول، ۱۳۹۳، ص۶۰۴).

شــخصیت انسان به‌طور غیرمســتقیم تحت تاثیر تخلیه هیجانی قرار دارد. تخلیه هیجانی و یا تخلیه روانی برای ســلامت شخصیت لازم است. تخلیه هیجانی یا تعادل و کنترل هیجان‌ها باعث تنظیم تعادل حیاتی می‌شود. کودک یا نوجوان در هنگام مواجهه با مشکلات اگر در خانواده‌ی سالم باشــند و والدین با آن‌ها رابطه صمیمی داشته باشــند، می‌توانند به راحتی مشکلات‌شان را مطرح کنند و راهنمایی شــوند تا مشکل‌شــان بر طرف شــود. در این صورت دو کار به صورت هم‌زمان انجام می‌شود، یعنی کودک یا نوجوان با مطرح کردن مشکل خود در حضور پدر یا مادر هم تخلیه روانی می‌شود و احساس سبکی می‌کند و اعتماد به نفسش بالا می‌رود و هم این که راه حل مشکل را والدین به او نشــان می‌دهند و یاد می‌گیرد که چگونه با مشــکل کنار بیاید و تحمل کند و برای او طبیعی و عادی جلوه می‌کند. اگر کودک و نوجوان در خانواده‌ای سخت‌گیر و بهانه‌گیر باشد، در این

صورت تخلیه روانی انجام نمی‌شود بلکه مشـــکل نوجوان بیشتر می‌شود، چون وقتی هیجان‌های نوجوان به صورت صحیح مدیریت نشـــود و راهنمایی نشود، به تدریج تبدیل به عقده می‌گردد که عواقب خطرناکی در پی دارد.

البته ســـخت‌گیری در برخی موارد با روش‌های معقول لازم اســـت، هرکس نمی‌تواند به گونه‌ی زندگـــی کند که با تنش هیجانی مواجه نشـــود. فرد واقع‌بین یاد می‌گیرد تا در مواجه با مشـــکلات زندگی، واقع گرا بوده و در برابر ناملایمات زندگی صبور باشـــد و بداند در مواقع خاص او هم حق دارد عصبانی شود یا بترسد بدون این‌که احساس گناه یا شرمساری کند.

بنا به گفته هلیگارد، اگر به فردی ضربه عاطفی وارد شود و او در مقابل این تنش هیجانی، صبر پیشـــه کند با آرامش و به دور از اضطراب، بین بروز حالت هیجانی و کنترل آن تعادل بر قرار کند از آرامش روان برخوردار اســـت. او این مشکلات و ضربه‌های هیجانی را عادی تلقی می‌کند و رفتار متناســـب با عـــرف جامعه از خود بروز می‌دهد (الیزابت بی، هارلوک، ترجمه؛ پرویز شـــریفی، ۱۳۹۴، ص۲۵۳).

پـــدر و مادری که از کـــودک و به‌خصوص از نوجوان فاصله دارنـــد و ارتباط عاطفی و رفاقت با نوجوان برقرار نکنند، در کار تربیت و شـــکل‌گیری شـــخصیت به‌صورت مطلوب موفق نمی‌شوند، چـــون نوجوان وقتی که می‌بیند پدر و مادر و یا هر دو به شـــخصیت او احتـــرام نمی‌گذارند و با او محبت نمی‌کنند و مشـــورت نمی‌کنند و با او هم‌صحبت نمی‌شـــوند و از مشکلات او نمی‌پرسند و نیازهای ضروری او را برطرف نمی‌کنند و گاهی با او شـــوخی و خنده ندارند، نا امید می‌شـــود، احساس تنهایی می‌کند، افسرده می‌شود، گاهی در بیرون به دنبال محبت دیگران می‌رود و در نتیجه تخلیه روانی و تخلیله هیجانی انجام نمی‌شـــود و عقده ایجاد می‌گردد و در نتیجه مشکل روحی و روانی او بیشتر می‌شود.

هلیگارد روان‌شـــناس شـــخصیت می‌گوید: تخلیه هیجانی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم باعث تنظیم تعادل حیاتی می‌شـــود. تأثیرات مستقیم تخلیه هیجانی باعث آزاد شدن هیجان‌های سرکوب شده فرد می‌شود و تعادل فیزیکی و روانی فرد تنظیم می‌شود. به علت تنظیم تعادل حیاتی، وضعیت روانی فرد متعادل شـــده و در نتیجه دید او نسبت به خودش و مشکلاتش واقع بینانه‌تر خواهد بود.

شخصیت فرد به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر تخلیه هیجانی است. یعنی فرد طوری رفتار می‌کند که رفتار شایسته‌ی از سوی افراد جامعه متوجه او می‌شود. با تخلیه هیجانی که شامل تخلیه فیزیکی و روانی است، به‌طور غیرمستقیم سلامت شخصیت فرد حفظ می‌شود و فردی که از شخصیت سالم برخوردار است، رفتار اجتماعی درستی هم خواهد داشت (همان).

بخش سوم : رشد اجتماعی در دوره کودکی و نوجوانی

الف : رشد اجتماعی در دوره کودکی

رشد هیجانی و اجتماعی کودکان ۶ سال به بالا بستگی به نوع و سبک تربیتی خانواده دارد. یکی از شـــیوه‌های تربیتی در راستای اجتماعی شدن کودکان، وضع قوانین خانوادگی است که باید همه رعایت کنند، اما کودکان علاوه بر رعایت قوانین و تشـــویق آن‌ها بر رعایت قوانین خانوادگی، باید پدر و مادر علت و فواید و چرایی آن قوانین را نیز برای کودکان توضیح دهند، چون کودکان تا علت رعایت قوانین را ندانند دچار مشـــکل می‌شوند و سؤال‌شان این اســـت که چرا باید قوانین در خانه رعایت شود و اگر رعایت نشود چه مشکلی پیش می‌آید.

روان‌شناســـان قوانین خانوادگی را بسیار مهم می‌دانند. کودکان باید رعایت قوانین در خانه را یاد بگیرند تا کم‌کم زمینه اجتماعی شدن‌شـــان فراهم شـــود تا این که در مدرسه و جامعه نیز قوانین را رعایت کنند. روان‌شناســـان می‌گویند: قوانین خانوادگی باید برای کودکان واضح و روشن باشد و مشخص شود به نحوی که آن‌ها به رهنمودها و مرزها پی ببرند. به عبارت دیگر، کودکان بدون درک علت آن قوانین دچار مشکل می‌شوند (ماریانا کتی، ترجمه: مژگان حیاتی، ۱۳۹۳، ص۶۱).

۱. گروه‌های هم‌سالان، کودکان ۷ تا ۱۱ سال

در این دوره میل کودکان به گروه هم‌سالان به شدت افزایش می‌یابد. آن‌ها زمانی که از هم‌سالان خود دور هستند، احساس دل‌تنگی می‌کنند و زمانی که با آن‌ها هستند به شور و شعف می‌آیند.

طبق اظهار نظر روان‌شناسان رشد، در سرتاسر دوره کودکی دوّم، میل به ارتباط با گروه هم‌سالان، به‌طور فزاینده‌ای وجود دارد و این نیاز به‌طور یک‌سان در دختران و پسران دیده می‌شود (سوسن سیف و دیگران، ۱۳۸۳. ص۲۷۳).

۱-۱ دوستی در دوران کودکی

دوستی‌های کودکان در این دوره عبارت‌اند از:

الف) هم‌بازی بودن؛ از مهم‌ترین انگیزه‌های دوستی کودکان در این دوره، هم‌بازی بودن آنان با یک‌دیگر است. هم‌بازی بیش‌تر از جنس و سن او برای کودکان مهم است. کودکان به ویژه پسران ترجیح می‌دهند که هم‌بازی‌های آن‌ها از جنس خودشان باشند (همان، ص۲۷۶).

ب) رفیق بودن؛ در این دوره معنای رفیق از معنای هم‌بازی عمیق‌تر و گسترده‌تر است. کودک علاوه بر هم‌بازی داشتن، انتظارات دیگری نیز از رفیق دارد. با او تبادل نظر می‌کند و به رازگویی و درد دل می‌پردازد و ارتباط بیش‌تری برقرار می‌کند. عوامل متعددی در انتخاب رفیق و هم‌بازی در این دوره اثر می‌گذارد، به‌طور کلی کودکان در این دوره هم‌بازی و رفقای خود را از بین کسانی انتخاب می‌کنند که با آن‌ها هم‌جنس هستند و از یک سطح رشد برخوردارند و علایق و ارزش‌های مشابه دارند (همان، ص۲۷۷).

۱-۲. روابط خانوادگی

در این دوره، در ارتباط کودک با والدین و سایر اعضای خانواده، تحول و تغییراتی به‌وجود می‌آید. روان‌شناسان معتقدند در تغییر روابط خانوادگی در این دوره، عوامل متعددی را می‌توان مؤثر دانست که مهم‌ترین این عوامل عبارتند از: بالا رفتن انتظارات والدین و تغییر نگرش کودکان نسبت به والدین. کودک قبل از ۷ سالگی، والدین خود را یگانه الگوی مورد پذیرش قرار داده بود ولی در این دوره با مطالعه کتب و تماشای فیلم‌های تلویزیون و ارتباط گسترده با هم‌سالان و والدین آن‌ها مفاهیم مطلوبی از پدر و مادر در ذهن خود می‌سازد (همان، ص۲۷۹).

به‌طور کلی رفتار کودکان و فعالیت آن‌ها در مدرسه، در جامعه و در ارتباط با هم‌سالان و دیگران و میزان توفیقات کودکان بستگی به ارتباط خانوادگی آن‌ها دارد. والدین شاد و پرحرف، تأثیر مثبت بر روحیه کودکان خود می‌گذارند و باعث می‌شوند کودکان و فرزندان‌شان در مدرسه شاد و فعال باشند و والدین کم حرف و افسرده و عقده‌ای تأثیر منفی بر کودکان خود می‌گذارند، به‌خصوص اگر مشاجره و جنگ و دعوا در خانه در حضور کودکان زیاد باشد. کودکان چنین خانواده‌هایی، کم‌رو و خجالتی بار می‌آیند و گاهی دیده می‌شود در مدرسه یا در اجتماع منزوی هستند و چندان به بازی

با هم‌ســـالان علاقه ندارند و بعضی از این کودکان در تحصیل نیز موفق نیســـتند چون موفقیت در تحصیل، بدون شادی و نشاط امکان‌پذیر نمی‌باشد. کودکان شاد و با انرژی و فعالی که از خانواده ســـالم و شاد انرژی می‌گیرند، می‌توانند در مدرسه فعال و موفق باشند. در بازی‌ها شرکت می‌کنند و درس را با حواس جمع و با تمام توان هوشـــی گوش می‌دهند و یاد می‌گیرند چون آرامش دارند و در خانواده محبت می‌بینند و از محبت والدین و از تشویقات و عواطف والدین سیراب می‌شوند.

روان‌شناســـان معتقدند نحوه کار کردن در محیط مدرســـه تا اندازه زیـــادی به روابط خانوادگی کودکان مربوط می‌شود. روابط خانوادگی شاد و صمیمی، کودک را در انجام دادن کارها با موفقیت بیشتری روبه‌رو می‌سازد و انگیزه هر کاری را در او تقویت می‌کند. در حالی‌که در روابط خانوادگی ســـرد و غیرصمیمانه، دلیل مهمی برای تنش‌های عاطفی در کودک اســـت و اثر تعیین کننده‌ای بر توانایی‌هـــای کودک در تمرکز و یادگیری می‌گذارد. روابط خانوادگی اثر مســـتقیمی بر ســـازگاری اجتماعی کودکان در محیط بیرون از خانه می‌گذارد و زمانی که این روابط مناسب و مطلوب باشد، سازگاری اجتماعی کودکان با افراد بیرون از خانه بهتر است (سوسن سیف و دیگران، ۱۳۸۳. ص۲۸۰).

ایفـــای نقش در خانواده، الگوی خوبی برای تنظیم و به عهـــده گرفتن نقش در محیط خارج از خانه اســـت. نوع روابطی که کودک با خواهران و برادران خود دارد، اســـاس و پایه روابط آن‌ها را با هم‌سالان‌شـــان در بیرون از خانه شـــکل می‌دهد. خلاقیت و ابتکار یا دنباله روی و عدم خلاقیت کودکان، تا حدود زیادی تحت تأثیر روابط خانوادگی آن‌هاست. شیوه تربیت کودک در محیط خانه در ایفای نقش کودکان در این دوره اثر مستقیمی بر جای می‌گذارد (همان).

ب : عوامل مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی نوجوان

اجتماعی شدن برای انسان ضروری است چون انسان فاقد غرایزی است که رفتارهای خاصی را برای موقعیت‌های ویژه‌ای مشخص می‌کند. فرایند اجتماعی شدن نوجوانان از طریق تأثیر والدین، رســـانه‌های گروهی، هم‌ســـالان، مدرســـه و مذهب صورت می‌گیرد. اجتماعی شدن یک فرایند همیشـــگی اســـت اما در دوران کودکی و نوجوانی به علت انعطاف‌پذیری نسبی در رشد، اهمیت ویژه‌ای دارد در اینجا به دو مورد از عوامل موثر بر رشد و تکامل اجتماعی نوجوانان اشاره می‌شود.

۱. والدین

نوجوانان نیاز دارند از نظر عاطفی و مالی مستقل از والدین باشند و به یک هویت مستقل دست یابند و ارزش‌های خود را حاکم سازند. تعارض میان نوجوان و والدین شروع می‌شود اما این تعارض‌ها یا تضادها بین افرادی پدیدار می‌شود که سابقه طولانی از کشمکش با هم داشته باشند. در بیشتر موارد وجود پیوندهای عاطفی صمیمانه، تعارض‌ها را تحت کنترل درآورده و موجب برقراری احساسات مثبت می‌شود (اسماعیل بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص۹۳).

البته اختلاف بین نوجوان و والدین بستگی به روش‌های تربیتی و شیوه فرزندپروری والدین و مسائل عاطفی و اقتصادی در خانواده دارد. اگر والدین روش‌های تربیتی و شیوه‌های فرزندپروری را بدانند و آگاهی از راه‌کارهای تربیتی داشته باشند، بدون تردید اختلاف با کودکان و نوجوانان به حداقل می‌رسد و یا به‌طور کلی می‌توانیم بگوییم اختلافی وجود نخواهد داشت چون بعضی اختلافات جزئی، طبیعی است و مربوط به سلائق افراد می‌شود. در صورتی که والدین، شیوه‌های تربیتی را بدانند و خودشان هم عمل کنند، اختلافی که تبدیل به بحران شود و بین والدین و نوجوان فاصله ایجاد کند، هرگز پیش نمی‌آید. چون زمینه‌های فاصله و اختلاف، عدم آگاهی والدین از روش‌های تربیتی و کمبود محبت و عاطفه است. اگر والدین هم از روش‌های تربیتی نسبتاً آگاهی داشته باشند و رعایت کنند و هم خودشان در بین خود محبت و عاطفه داشته باشند و از مشاجره‌های لفظی و جنگ و دعوای زن و شوهری پرهیز کنند، می‌توانند با نوجوان خود منطقی و با محبت باشند و توجه جدی به درس و مدرسه و برنامه‌های تربیتی نوجوان داشته باشند.

از نظر روان‌شناسان پدر و مادر اولین کسانی هستند که بنیاد شخصیت سالم نوجوان را می‌گذارند. معمولاً والدین، نوجوانان خود را به صورت کودک می‌نگرند. درک نکردن نوجوانان باعث کشمکش بین آنان و والدین می‌شود. نوجوانان به خود حق می‌دهند که در مسائل مربوط به خانواده اظهار نظر کنند و افکار و عقاید و اعمال اعضای خانواده خود را مورد سؤال قرار دهند. نوجوان در مقابل تحکم و دستورات والدین مقاومت می‌کند. یک نوجوان در خاطرات خود می‌نویسد، دوست ندارم که به من دستور بدهند، مخصوصاً اگر این دستور آمرانه باشد، اگر دستور دهنده مادرم باشد گوش نمی‌دهم، وقتی دستور دهنده برادر بزرگم باشد ناچارم که اجرا کنم وگرنه

کشیده ای خواهم خورد (احمد احمدی، ۱۳۸۲، ص۴۵).

حدود ۸۰ درصد از نوجوانان کارگر در نمونه‌ای در اصفهان، ابراز داشـــته‌اند که پدر و مادر خود را دوست دارند ولی متأســـفانه از جانب والدین خود مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و والدین آنان را درک نمی‌کنند. همین درک نکردن باعث مخالفت آنان با والدین خود می‌شود. نوجوانانی که والدین خود را دوســـت می‌داشتند، در مقابل دستور والدین ۵۷ درصد از نوجوانان دانش آموز و ۸۵ درصد از نوجوانـــان کارگر از روی میل اطاعت می‌کردند و ۳۱ درصد از نوجوانان دانش آموز و ۱۰ درصد از نوجوانان کارگر دستورات والدین را با بی‌میلی انجام می‌دادند (همان، ص۴۶).

۲. مشاوره خانوادگی

خانواده‌هایی که از شـــیوه تربیتی و اخلاقی نوجوانان آگاهی کافی و لازم ندارند، مشـــاوره یکی از راه‌هایی است که می‌توان مشکلات خانوادگی آن‌ها را حل کرد و یا به حداقل رساند.

اکثر روان‌شناســـان معتقدند دوران کودکی و نوجوانی، مهم‌ترین زمان شـــکل‌گیری شخصیت است. از حجم ذخیره‌های موروثی خانوادگی گذشـــته، سال‌های عمر که در اختیار خانواده است منشـــأ بروز بســـیاری از عادت‌ها و خصوصیات اکتسابی می‌باشد که ممکن است سعادت و عزت همه‌ی عمر یک فرد را تضمین کنند یا نکبت و مذلّت بار آورند. تأثیرپذیری انسان در دوران کودکی بیش از دیگر مراحل زندگی اســـت. به این ســـبب در مجموعه عوامل ســـازنده شخصیت‌ها نقش خانـــواده مهم و قابل توجه جلوه می‌کند. خانواده به نخســـتین و مناســـب‌ترین مرحله نقش‌پذیری کودک و نوجوان دسترسی دارد. شخصیت کودک و نوجوان در مراحل اولیه رشد، هنوز شکل نگرفته و آماده قبول است. مقلد و مطیع است و آن‌چنان مقاوم و سخت‌گیر نیست. از آلودگی‌ها و مکتبات محیطی نســـبتاً مبرا اســـت و به تجربه و آموختن نیاز دارد، دیگران را معمولاً برتر از خود می‌بیند و می‌پندارد و در اکثر زمینه‌های خلق و رفتار هنوز اسیر عادت نیست. مستعدّ فراگیری و چون ظرف تهی است که آن را با هر مظروفی می‌توان پر کرد (محمدطاهر معیری، ۱۳۷۸؛ ص۹۹).

این واقعیت را نباید از نظر دور داشـــت که در مجموعه مســـئولیت‌های خانواده، تربیت فرزند از همه مهم‌تر و شـــامل دگرگونی‌های نخستینی اســـت که خمیر مایه شخصیت فرزندان را تشکیل می‌دهد. بخش قابل توجهی از تربیت هر فرد در نقش‌پذیری دوران کودکی وی نهفته است و این به

اهمیت نقش خانواده در مسأله تربیت باز می‌گردد، به همین دلیل است که برداشت عمومی جامعه (خوب و بد) هر فرد را در تربیت خانوادگی جستجو می‌کند (همان).

۳. هم‌سالان و دوستان

یکی دیگر از عوامل بسیار مؤثر در رشد و تکامل نوجوان، دوستان و هم‌سالان اوست که افکار و رفتارشان بر هم‌دیگر تأثیر می‌گذارد. این تاثیر آن قدر جدی و قوی است که در دین مقدس اسلام بر انتخاب دوست و رفیق تأکید شده است که والدین سعی کنند و مراقب باشند که با چه خانواده‌هایی ارتبـــاط دارند. خانواده‌هایی کـــه قیدوبند دینی و مذهبی ندارند، تربیت نوجوانان شـــما را به خطر می‌اندازنـــد. یعنی نوجوانان از آن‌ها یاد می‌گیرنـــد، بی‌بند و باری و بزه‌کاری را و همین‌طور در دین مبین اسلام تأکید شده است که نوجوانان دوستان خوب و مذهبی انتخاب کنند. قال رسول‌الله ﷺ «المرءُ علی دین خلیله و قرینه» (محمد بن حسن حرعاملی، ۱۴۰۹ق. ص۲۰۷).

رسول خدا ﷺ فرمودند: «روش آدمی بر طریق مذهب و سیره دوست صمیمی و رفیق دل‌بندش خواهـــد بود» و در جای دیگر می‌فرماید: «المرءُ علی دین خلیلهِ فلینظر أحدُکُم من یُخالل» (محمد بن حسن طوسی، ترجمه: حسن‌زاده، ۱۳۸۸، ص۵۱۸).

رسول گرامی اسلام فرمود: آدمی بر آیین دوست خود است، پس بنگرید با که دوستی می‌کنید. طبق فرمایش رسول اکرم ﷺ انسان بر دین و روش دوستان خود مشی می‌کند، یعنی اعتقاد و رفتار و افکار دوســـتان بر هم‌دیگر به صورت مستقیم و غیرمســـتقیم تأثیر می‌گذارد. در آیات و روایات فراوان از ارتباط و دوستی با افراد بزه‌کار و ناباب نهی شده است. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿**یـــا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّکُمْ أَوْلِیـــاءَ تُلْقُونَ إِلَیهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ کَفَرُوا بِمَا جَاءَکُمْ مِنَ الْحَقِّ**﴾ (ممتحنه، آیه ۱) «ای کســـانی که ایمان آورده‌اید، دشـــمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید، شما به آنان اظهار محبت می‌کنید درحالی‌که آن‌ها به آن‌چه از حق برای شما آمده است کافر شده‌اند».

روان‌شناسان نیز تأکید بر انتخاب دوســـت خوب و مثبت دارند که بر رشد و تکامل شخصیت نوجوان تأثیر می‌گذارد. ارتباط با دوستان خوب و مثبت باعث می‌شود شخصیت نوجوان به صورت مثبت شکل بگیرد و شاکله‌ی او به صورت مطلوب ساخته شود.

یکی از نیازهای اساسی برای اجتماعی شدن نوجوانان، رشد مهارت‌های اجتماعی است که رشد همه جانبه شخصیت است.

بر اساس نظر روان‌شناسان تربیتی، رشد مهارت‌های اجتماعی یکی از لوازم رشد همه جانبه‌ی شخصیت است. در رشد اجتماعی نوجوان سه گروه تأثیر دارند: ۱- اشخاص صاحب قدرت و ذی نفوذی که قواعد و رسومی را به نوجوان تحمیل می‌کنند و اگر نوجوان به این قواعد و رسوم گردن نهاد به او پاداش می‌دهند. ۲- اشخاصی که سرمشق رفتار و کردار نوجوان واقع می‌شوند و او می‌تواند از رفتار آنان تبعیت کند. ۳- مصاحبانی که واکنش مساعد یا نامساعدشان در حکم پاداش و کیفر برای نوجوان است (ل، ج، کرانباخ، ۱۳۵۱، ص۱۳۹).

دوستی‌ها در دوران بلوغ و نوجوانی، باعث تجاربی می‌شود که در توسعه شخصیت نوجوان نقش مهمی دارد. این تجارب باعث دوستی‌های عاقلانه‌تری در دوران کمال و بزرگ‌سالی می‌گردد. دوستی‌هایی که بر اساس علاقه و اعتماد متقابل استوار باشد، اولین احساس نوع دوستی را در نوجوان ایجاد می‌کند (موریس دبس،۱۳۳۵. ص۵۷).

همان‌طور که اشاره شد اگر والدین، با محبت و عواطف و احترام با نوجوانان خود در تعامل نباشند و شخصیت آن‌ها را تحقیر و خرد کنند، دیگر نوجوانان به والدین اعتماد نخواهند کرد. وقتی اعتماد و رفاقت و صمیمیت در بین والدین و نوجوان وجود نداشته باشد راه‌کارهای تربیتی اجرایی نمی‌گردد و مخالفت نوجوان با والدین بیشتر خواهد شد. در این صورت نوجوان از خانه و خانواده بیزار می‌شود و به دوستان و هم‌سالان خود پناه می‌برد.

اگر دوستان و هم‌سالان او مناسب و سالم باشند تا حدودی از آسیب‌ها در امان است. اگر برخی از دوستان و هم‌سالان او ناباب و بزه‌کار باشند، به احتمال قوی بزه‌کار می‌شود. به دلیل این‌که در خانه رفاقت و صمیمیت و محبت نمی‌بیند آن‌گاه باید تخلیه روانی شود و انرژی‌های اضافی را مصرف کند. باید دست به کارهایی بزند ولو خلاف و بزه باشد. اما اگر والدین راهنمای مهربان و خوبی برای نوجوان باشند، تخلیه روانی و انرژی‌های نوجوان در راه مثبت و برنامه‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، علمی، معنوی و ارزش‌ها انجام و مصرف خواهد شد.

برای پیش‌گیری از هراس اجتماعـــی و تقویت اعتماد به نفس در نوجوانان آموزش مهارت‌های اجتماعی برای نوجوانان بسیار لازم و کاربردی است. روان‌شناسان اجتماعی می‌گویند: از آن‌جا که روابط هم‌سالان در دوره نوجوانی بسیار حیاتی است، افراد در این دوره از خانواده فاصله می‌گیرند و احتمال بســیار وجود دارد که در این هنگام، هراس اجتماعی کاملاً ترسناک شود و شخص برای محافظت خــود از تحقیر و ناراحتی، کاملاً از آن‌ها دوری می‌گزینند. نوجوان تنها و ترســو ممکن اســت به این نتیجه برسد که زندگی نومید کننده است. این احساس نومیدی گاهی ممکن است به خودکشــی بیانجامد. برخی از ویژگی‌های افراد دارای مهارت‌های اجتماعی خوب، به طور خاص در تحقیقات شناسایی شده‌اند. مثلاً یک نوجوان دارای مهارت اجتماعی، صمیمی و دارای حرمت نفس بالاســت. به ندرت با عصبانیت واکنش نشان می‌دهد و به راحتی با دیگران سخن می‌گوید. در مقابل فرد بدون مهارت اجتماعی، خجالتی، دارای حرمت نفس پایین و هنگام برخورد با غریبه کمروست (مسعود آذربایی‌جانی و دی‌گران، ۱۳۸۷. ص۲۸۷ و ۲۸۸).

پژوهش‌گران دریافتند دانشــجویانی که در روابط اجتماعی موفق بوده‌اند، وظایف بین فردی را متفاوت از کسانی که ناکام بوده‌اند ادراک می‌کنند. هماهنگ با تحقیقات دیگر در گروه دانشجویان هم‌چنین از راهبردهای متفاوتی در تعامل با دیگران اســتفاده می‌کردند. به ویژه دانشــجویان فاقد مهارت‌های اجتماعی، موقعیت اجتماعی را به صورت منفی ارزیابی می‌کردند و همراه با اضطراب اجتماعی به آن واکنش نشان می‌دادند (همان).

نقش خانواده در فرایند اجتماعی شدن

خانواده یک واحد اجتماعی اســت که بیش‌ترین تأثیر بر رشــد فــردی و اجتماعی افراد دارد. والدین از طریق ارائه الگوها، ملاک‌ها، معیارها و پاداش‌ها در رشــد شناختی و مفهوم خود، کسب هویت و همانندسازی جنسی نقش دارند. اما نقش خانواده در سال‌های اول زندگی یعنی در دوران کودکی اول و دوم از نقش رســانه‌های گروهی و شــبکه‌های اجتماعی و هم‌سالان و مدارس بیشتر اســت. ولی به نظر می‌رســد که در دوره نوجوانی نقش محوری خانواده در رشد فردی و اجتماعی به‌خصوص در اجتماعی شــدن کم‌تر می‌شــود. زیرا نوجوان با عوامل متعددی برخورد می‌کند. در عصر حاضر که اطلاعات و اینترنت و شــبکه‌های اجتماعی در حال ارتقاء و افزایش است و نقش

تربیتی خانواده را تحت‌الشـــعاع خود قرار داده و توجه نوجوان بیشتر به گوشی و اینترنت و فیس‌بوک و تلگرام و ســـایر شبکه‌های اجتماعی متمرکز می‌شود، دیگر حوصله این را ندارد که در کنار پدر و مادر بنشیند و سخنان آن‌ها را گوش دهد و به اجرا در آورد. از صبح تا شب باران واژه، انواع و اقسام مطالب از طریق فیس‌بوک و تلگرام و سایر شبکه‌ها، نه فقط مطالب و واژه‌های مثبت و منفی، بلکه بـــا تصویر و یا همراه تصویر در موضوعات مختلف می‌بارد. گذشـــته از مطالب مذهبی و علمی و مفید، متأسفانه مطالب و محتوای مضر و منفی و غیراخلاقی زیادی هم وجود دارد که بدون تردید، تربیت نوجوانان و خانواده‌ها را تهدید می‌کند.

اگر والدین می‌خواهند در تربیت نوجوان موفق باشند، باید با نوجوان خود هم‌دل و هم‌درد باشند و با نوجوانان خود روش رفاقت و صمیمیت و صداقت را در پیش بگیرند تا آن‌ها جذب شـــوند. پدر و مادر برای نوجوان باید محبوب، مهم و تکیه‌گاه قابل اعتمادی باشـــد که هیچ کسی مثل آن‌ها پیدا نشـــود، در این صورت نوجوان به سخنان والدین گوش جان می‌سپارد. چون والدین را کانون محبت و مهربانی و هم‌دردی تصور می‌کند. والدین باید از تمسخر و تحقیر و بی احترامی نوجوان به شدت پرهیز کنند. اگر هم گاهی تنبیه لازم باشد با استدلال و منطق و رعایت احترام و ادب سخن بگوید. با رعایت ادب داد بزند، ســـخن کنایه و تحقیر کننده نگوید تا نوجوان احســـاس امنیت کند و بداند که تحقیر نمی‌شـــود و احساس کند شخصیت او خرد نمی‌شود. به طور کلی ارتباط دوستانه با حفظ احترام نوجوان یکی از مهم‌ترین ابزار و روش‌های تربیتی است که والدین باید رعایت کنند.

به عقیده روان‌شناســـان، یکی از مهم‌ترین عامل مؤثر در بزه‌کاری، روش تربیتی نارسا یا اختلال در شبکه ارتباطی خانواده می‌باشد. تقریباً تمام پژوهش‌ها نشان داده‌اند والدینی که با کودکان خود مهربان نیســـتند یا آن‌هایی که از نظر روانی یا فیزیکی از فرزندان خود سوء استفاده می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که فرزندان بزه‌کار داشته باشند (اسماعیل بیابانگرد، روان‌شناسی نوجوان، ص ۲۸۰).

همان‌طور که اشـــاره شـــد اگر کودک و نوجوان بیش از حد معمول تحقیر شود و محبت نبیند، احساس می‌کند کسی او را را دوست ندارد و خود را بی‌ارزش تلقی می‌کند، آن وقت برای انتقام از والدین و جامعه دست به کارهای خلاف می‌زند و بزه‌کار می‌شود و راه انحراف را در پیش می‌گیرد.

روان‌شناسان می‌گویند: نوجوانان بزه‌کار احساس می‌کنند که کسی آن‌ها را دوست ندارد و خود

را بی‌ارزش می‌دانند. عشـــق ورزیدن و محبت کردن به این کودکان و نوجوانان از نیازهای ضروری آنان در پیش‌گیری از بزه‌کاری می‌باشـــد، لذا باید علّت آن را شـــناخت و از بین برد. کســـب یک هویت موفق به وسیله نوجوان که به دنبال چشیدن طعم موفقیت ایجاد می‌شود، به نوجوان احساس ارزش‌منـــدی می‌دهد. یکـــی از عوامل باز دارنده بزه‌کاری، اخلاق اســـت. اگر نوجوان ارزش‌ها و بایدهـــا و نبایدهای اخلاقـــی را خوب درک کند به بزه‌کاری گرایش پیدا نمی‌کند. پس لازم اســـت که پدر و مادر به مســـائل اخلاقی اهمیت دهند. والدین باید مسائل اخلاقی را در رفتارشان نمایان ســـازند تا کودک و نوجوان به طور غیرمســـتقیم از رفتار آنان نکات اخلاقـــی را یاد بگیرند. والدین بایـــد به نوجوانان خود قضاوت اخلاقی در مورد رفتارها را آموزش دهند و خود نیز به آن عمل کنند (همان، ص۲۸۴).

روان‌شناسان، والدین مســـئولیت‌پذیر و کسانی را که در فکر تربیت فرزندان‌شان هستند به چند نکته توصیه می‌کنند:

۱. با کودک و نوجوان ارتباط گرم و عاطفی برقرار کنند.

۲. برای نوجوان ارزش قائل شوند و از به کار بردن صفاتی که بی ارزشی را القاء می‌کند، پرهیز کنند.

۳. در حل مسائل به جای پرخاش‌گری، برخورد منطقی داشته باشند تا برای نوجوانان الگو شود.

۴. نوجـــوان را از توجه به لذّات زود گذر منع کنند و نظـــر آنان را به لذّات دراز مدت و منطقی جلب کنند.

۵. زمینه استفاده از تفریحات سالم و ورزش‌های مناسب را برای فرزندان خود فراهم کنند.

۶. از تنبیه نوجوانان پرهیز کنند و از پاداش‌های مناسب در مقابل رفتارهای مطلوب استفاده نمایند.

۷. از تماشـــای فیلم‌های غیراخلاقی توسط کودکان و نوجوانان جلوگیری به عمل آورند (همان، ص۲۸۵).

بخش چهارم: رفتار اجتماعی در نوجوانی

رفتار نوجوان با رفتار دوران کودکی متفاوت اســـت. والدین متوجه می‌شوند که فرزند آن‌ها دیگر آن پسر بچه یا دختر بچه قبل نیست. جسور و گاهی عصیان‌گر، زرنگ و منطقی شده است. دنیای

تفکر نوجوانان متحول می‌شود و ادراک او از موقعیت تغییر می‌یابد. او عقاید شخصی خود را بیش از پیش محکم‌تر و روشـــن‌تر بیان می‌کند. نوجوان مخصوصاً محکم‌ترین عقیده خود را هر روز با دوســـتانش در میان می‌گذارد و برای تأییـــد آن دلیل می‌آورد (جیمز ونَدِر زَندِن، ترجمه: حمزه گنجی، ۱۳۸۵، ص۱۹۸).

۱. احساس هویت

نوجوانان ســـعی می‌کنند خود و هویت خود را نشان دهند. به همین دلیل خُلق نوجوانان نوسان دارد. روان‌شناســـان رشـــد معتقدند که جســـتجوی هویت به دلایل مختلف سرنوشت‌ساز است. تغییرات جســـمی سریعی را تحمل می‌کند و شـــیوه تفکر او دگرگون می‌شود. او باید درباره ادامه یا ترک تحصیل تصمیم بگیرد و بر حسب مورد شغلی را به دست آورده یا دوره‌ای را ببیند (همان).

هویت چیست؟

اریک اریکســـون فردی که در دانش ما از مفهوم هویت نقش به‌سزایی دارد، هویت را به صورت یک احســـاس نســـبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند. یعنی علی‌رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. علاوه بر این او می‌گوید: این احساس که ما چه کســـی هستیم باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند نسبتاً هم‌خوان باشد. این مسأله بر اعتقاد اریکسون در اهمیت رابطه بین خود و جامعه تأکید دارد(اسماعیل بیابانگرد، ۱۳۷۶، ص۱۲۴).

کارول گاردو و جانیس بوهن، خاطر نشان می‌سازند که حداقل چهار مسأله اساسی در احساس فردی هویت وجود دارد:

۱. انسانیت، این احساس که فرد یک موجود انسانی است.

۲. جنسیت، احساس فرد از مردانگی و زنانگی است.

۳. فردیت، این شناخت که فردی خاص و بی‌نظیر است.

۴. پایداری، این آگاهی که فرد همان شـــخصی اســـت که روز قبل بوده اســـت. از این رو رشد احساس هویت مســـتلزم این است که یک فرد دریابد که او دارای هویت بی‌نظیر و واحدی است. زن و یا مردی است جدای از دیگران و به‌طور کلی شبیه هیچ فرد دیگری نیست (همان).

۲. راه حل بحران هویت

طبق نظریه اریکسون، بحرانی را که نوجوانان با آن مواجه می‌شوند، هویت در مقابل سرگردانی از نظر او نقش اجتماعی نام دارد. سرگردانی در هویت و نقش اجتماعی، اغلب به این صورت تجربه می‌گردد که نوجوان نمی‌داند کیست و چه نقشی در اجتماع دارد. برای چه به دنیا آمده است، به کجا خواهد رفت و چه کاره خواهد شد. با این توصیف، باید در نظر داشت که حل بحران هویت دارای طیفی است که در یک سوی آن کسب هویت و در سوی دیگر آن سرگردانی و بلاتکلیفی است (همان، ص۱۲۶).

مارسیا می‌گوید: بدیهی است که اگر تکلیف مرتبط با رشد، نظیر کسب هویت در نوجوانی با موفقیت انجام شود ایفای نقش‌های بزرگسالان آسان‌تر است. با این حال هیچ قانون روان شناختی وجود ندارد که اگر این تکلیف تا سن خاصّی انجام نشود، هرگز با موفقیت انجام نخواهند شد. به نظر می‌رسد افرادی که نوجوانی را پشت سر گذاشته‌اند باز هم می‌توانند تجاربی را انتخاب کنند که رشد آن‌ها را در زمینه‌هایی که نیاز به صلاحیت بیشتری است را فراهم سازد. روان درمانی نیز می‌تواند این فرصت را فراهم سازد. امکان توانایی بالقوه برای رشد ظاهراً همیشه وجود دارد گرچه گاهی اوقات مشکل است و افراد ممکن است از مزایای آن بی‌بهره بمانند (همان).

از نظر مارسیا، یکی از عواملی که به رفع بحران هویت در جامعه کمک می‌کند حاکمیت مذهب است. او می‌گوید مذهب به تمام سؤالات پاسخ می‌گوید. آن‌چه مطالعات مختلف نشان داده است این است که حاکمیت مذهب در جامعه به رفع بحران هویت کمک می‌کند و در جوامعی که مذهب وجود ندارد نوجوانان بحران شدیدتری را تجربه می‌کنند چرا که مذهب به مهم‌ترین سؤالات نوجوانان یعنی از کجا آمده‌ام؟ چه کسی هستم؟ به کجا خواهم رفت؟ و چه کار باید بکنم؟ پاسخ می‌دهد (همان ص۱۲۶).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نقش خانواده در بعد رفتار فردی و اجتماعی شخصیت کودک و نوجوان که شامل شخصیت سالم، عوامل مؤثر در رشد شخصیت، رشد اجتماعی در دوره‌ی کودکی، رفتار اجتماعی در دوره‌ی

نوجوانی و عوامل مؤثر در رشد و تکامل نوجوانان می‌شود نقش سرنوشت‌سازی خواهد بود.

ارتباط متقابل شـــخصیت سالم با عوامل رشد شخصیت این اســـت که اگر خود عوامل سالم باشـــند و طبق ملاک و معیار در جریان باشـــند، شـــخصیت کودک و نوجوان با تأثیر از این عوامل به‌صورت ســـالم شکل می‌گیرد و رشـــد می‌کند. یا به تعبیر دیگر ارتباط متقابل کودک و نوجوان با عوامل رشد شخصیت، در این است که اگر عوامل سالم باشند و جامعه یک جامعه سالمی باشد، بر رفتار و گفتار و شکل‌گیری رفتاری شخصیت کودک و نوجوان تأثیر مثبت می‌گذارند و اگر سالم نباشند، تأثیر منفی خواهد گذاشت.

در نتیجه ســـلامت اخلاقی، روحی و روانی خانواده و ســـالم بودن سایر عوامل، در شکل‌گیری شـــخصیت، رفتار و تربیت مطلوب و رفتار فردی و اجتماعی کودک و نوجوان تأثیر خوب و مثبت می‌گذارند. اگر غیر از این باشد نتیجه تابع عوامل موجود خواهد شد.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. آذربایجانی، مسعود و همکاران. (۱۳۸۷)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳. احمدی، احمد. (۱۳۸۲)، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، اصفهان: انتشارات مشعل.

۴. الموسوی الخمینی،روح الله. (۱۴۰۸)، تحریر الوسیله، الجزء الثانی، قم: موسسه اسماعلیان، چاپ سوم.

۵. الیزابت بی، هارلوک. (۱۳۹۴)، درآمدی بر روان‌شناسی شخصیت با تأکید بر تحلیل عوامل مؤثر بر رشد شخصیت، ترجمه: پرویز شریفی، تهران: آوای نور.

۶. سبحانی‌فرد. (۹۲-۹۱)، اولین جلسه آموزشی خانواده با موضوع تحولات زیستی ـ روانی ـ اجتماعی نوجوانان، مجتمع آموزش غیر دولتی نور ایمان.

۷. بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۶)، روان شناسی نوجوانان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۸. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۴، قم: موسسه آل البیت.

۹. حیدری، اکرم. (گیتی). (۱۳۷۲)، روان شناسی رشد و اختلالات روانی رایج در کودکان.

۱۰. دبس، موریس. (۱۳۳۵)، چه می‌دانم، بلوغ، ترجمه: حسن صفاری، تهرانه: موسسه مطبوعاتی علمی.

۱۱. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۲. رالف موس. (۱۳۷۵)، نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی، مترجم: ترجمه صدیقی و همکاران، تهران: انتشارات عطایی.

۱۳. سوسن سیف و دیگران. (۱۳۸۳)، روان‌شناسی رشد(۱)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت).

۱۴. سیدنی، جرارد. (۱۳۸۷)، شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی انسان گرا، مترجم: فرهاد منصف، انتش ارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، چاپ اول.

۱۵. شـــرفی، محمدرضا. (۱۳۸۳)، دنیای نوجوان، تهران: موسســـه فرهنگی منادی تربیت، چاپ هفتم.
۱۶. شعاری‌نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۸)، روان شناسی رشد، تهران: موسسه اطلاعات.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸)، امالی، ترجمه: حسن‌زاده، قم: انتشارات اندیشه هادی.
۱۸. کارول، براون. (۱۳۹۳)، روان شناسی رشد، مترجم: علی اکبر دهکردی، تهران: نشر روان.
۱۹. کرانباخ، لی. جی. (۱۳۵۱)، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه: رضوی، تهران: انتشارات دهخدا.
۲۰. لنگرودی، محمدجعف. (۱۳۸۱)، مبســـوط در ترمینولوژی حقوق، ج۳، چاپ دوم، نشر گنج دانش.
۲۱. ماریانا کتی. (۱۳۹۳)، رشد مهارت‌های اجتماعی، رفتاری و هیجانی کودکان، ترجمه: مژگان حیاتی، تهران: نشر دانژه.
۲۲. معیری، محمد طاهر. (۱۳۷۸)، بچه‌های خوب، پرورش بد، تهران: امیر کبیر.
۲۳. وِندِر زِندِن، جیمز. (۱۳۸۵)، روان شناسی رشـــد، ترجمه: حمزه گنجی، تهران: مؤسسه نشر ساوالان، چاپ دوم.